

حرف درشت

مردم دنیا چند دسته هستند؟



پسرم

مردم دنیا ۱۳ دسته هستند:

اول- کسی که کار می‌کند و کاردار است.

دوم- کسی که کار نمی‌کند و هنرمند است.

سوم- کسی که کار نمی‌کند و هنری ندارد و روشنفکر است و روزی دوتا توبیت می‌کند.

چهارم- کسی که به این کار دارد که کی چی‌کار می‌کند.

پنجم- کسی که توی کار کسی می‌گذارد که دارد کار می‌کند.

ششم- کسی که از کسی که می‌خواهد کار کند باج‌سبیل می‌گیرد تا اجازه بدهد او خودش به‌تنهایی کار خودش را بکند.

هفتم- کسی که فیلتر یا سانسور می‌کند.

هشتم- کسی که فیلترشکن می‌فروشد.

نهم- کسی که کاری ندارد کی چی‌کار می‌کند

و معتقد است همه باید کار کنند تا او کار نکند.

دهم- کسی که بدهی ایجاد می‌کند و بعد به صورت تخصصی مدیریت بدهی می‌کند.

یازدهم- کسی که می‌گوید هیچ‌کسی حق ندارد کار کند تا او بی‌قیب بماند.

دوازدهم- کسی که ژن خوب دارد و نیازی ندارد کار کند.

سیزدهم- کسی که کاری به این کارها ندارد و بلد است با همه ببندد تا بی‌کار نماند.

پس ای پسر بدان و آگاه باش بهترین کار دنیا این است که تخم‌شربتی بکاری که نه نیاز به مجوز دارد، نه مالیات دارد، نه مخاطب دارد، نه آفت دارد، نه فروش دارد، نه نیاز به آب دارد و نه نیاز به زحمت. پس شاید پیرسی آیا تخم‌شربتی اصولا از آن دست تخم‌هایی است که می‌شود کاشت؟ و پاسخ این است که نه، تخم‌شربتی را نمی‌شود کاشت، اما اگر همین را پرویزال کنی و بگویی آن را در اینترنت خواهی فروخت و به‌عنوان استارت‌آپ بری‌اش هیئت دولت، حتما به آن وام خواهند داد!

کنته

پیام سرگشاده سالگرد ازدواج

● باراک اوباما، رئیس‌جمهوری سابق آمریکا، با ارسال یک پیام تلویزیونی خطاب به همسرش در بیست‌وپنجمین سالگرد ازدواجشان او را غافلگیر کرد. این پیام زمانی که میشل اوباما در کنفرانس زنان پنسیلوانیا در فیلادلفیا روی صحنه بود، ناگهان از نمایشگرهای تلویزیونی و برای تمام حاضران در کنفرانس پخش شد. در زمان پخش این پیام، بانوی اول سابق آمریکا سرگرم گفت‌وگو با مجری برنامه، شاندون رمز، پدیدآورنده سریال تلویزیونی «آناتومی گری» بود که مجری، مصاحبه را ناگهان قطع کرد و یادآور شد که بیست‌وپنجمین سالگرد ازدواج میشل و باراک اوباما فرارسیده است و یک پیام غافلگیرکننده برای او دارد.



پس از این اعلام، باراک اوباما روی صفحه نمایش سالن ظاهر شد و سالگرد ازدواج را به همسرش به این شرح تبریک گفت: «امروز ۲۵ سال است که ما ازدواج کرده‌ایم. این ایده که تو یک چهارم قرن مرا تحمل کرده‌ای و در کنار من بوده‌ای، گواهی بر این است که تو شخصی هستی بسیار والا، شگفت‌انگیز و شکیبا. برای من بودن با تو بسیار آسان‌تر بود، چون واقعیت این است که تو نه‌فقط شریک زندگی فوق‌العاده‌ای بوده‌ای، نه‌فقط یک دوست بسیار عالی بوده‌ای، آن شخصی بوده‌ای که همیشه می‌تواند لبخند بر لب من بیاورد، شخصی که همیشه به من اطمینان‌خاطر می‌داد که من می‌توانم به دنبال چیزی باشم که فکر می‌کنم درست است و همچنین تو نمونه و سرمشقی عالی برای دختران ما و کل کشور بوده‌ای».

باراک اوباما در ادامه پیامش گفت: «قدرت تو، دانایی تو، عزم و ارادات، صداقت تو و این واقعیت که تو در عین پرداختن به این‌همه خم به ابرو نباورده‌ای و شیوه‌ای که همیشه مسئولیت اقدامات خود را برعهده گرفته‌ای و در همان حال همواره مراقب افراد دیگر در خود بوده‌ای، قابل‌توجه و تحسین‌برانگیز است».

اوباما قدردانی خود از همسرش را با این عبارات به پایان برد: «این واقعا بهترین تصمیمی بوده است که من تاکنون گرفته‌ام که آن‌قدر مصمم و پیگیر بوده‌ام که از تو تقاضای ازدواج کرده‌ام تا آنکه بالاخره تو پذیرفتی و من امیدوارم که تو نیز همین احساس را داشته باشی».

روزنامه شتر

سهمشنبه ۱۸ مهر ۱۳۹۶ • ۱۹ محرم ۱۴۳۹ • ۱۰ اکتبر ۲۰۱۷ • سال پانزدهم • شماره ۲۹۸۲ • ۲۰ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۱:۵۱ • اذان مغرب ۱۷:۵۴ • اذان صبح‌فردا ۴:۴۳ • طلوع آفتاب ۶:۰۷

روزنفرها

کارتون خواب



علی رومانی
aliromani84@gmail.com



شهردار تهران: با وزارتخانه‌های نفت و نیرو رایزنی کرده ایم تا نیروگاه‌های اطراف تهران در زمستان از سوخت مازوت استفاده نکنند.

گزارش فردا

گفت‌وگو با گلریز قهرمان، نخستین ایرانی عضو پارلمان نیوزیلند

ما مروج تروریسم نیستیم

نیوزیلند هرالذ: بیشتر خاطرات دوران کودکی «گلریز قهرمان» به جنگ مربوط می‌شود. او صدای اضطراب‌آور آژیرها را به یاد می‌آورد که باعث می‌شد خانواده‌ها سراسیمه به زیرزمین هجوم ببرند. افرادی را به یاد می‌آورد که به دام افتاده بودند و خانواده‌هایی را که سعی در فرار داشتند. قهرمان، تازه‌ترین عضو پارلمان نیوزیلند از حزب سبز پس از شمارش ویژه آراست. او در سال ۱۹۸۱ (۱۳۶۰) در ایران پس از انقلاب و هم‌زمان با جنگ ایران و عراق متولد شد. او از نوادگان قهرمان‌میرزا نوه پسری فتحعلی‌شاه است. او از روز شنبه و پس از شمارش حدود ۳۹۰ هزار رای ویژه به‌عنوان نماینده جدید مجلس تأیید شد. وقتی او هشت‌ساله بود، جنگ به پایان رسید. یک سال بعد مرزا باز شدند و پدر و مادرش راه خروج پیدا کردند. آنها در یک تعطیلات رسمی به مالزی سفر کردند. «فکر می‌کنم مردم می‌دانستند چه اتفاقی دارد می‌افتد، چون در فرودگاه گریبه می‌کردند، ولی ما مجبور بودیم بگوییم: «خداحافظ، بهمون خوش می‌گذره. توانستیم خانه یا چیز دیگری را بفروشیم». آنها از مالزی پروازی به مقصد فیجی گرفتند که در اوکلند متوقف شد؛ جایی که امیدوار بودند بتوانند متقاضی پناهنده‌گی شوند. بعد از آنکه خانواده از پرواز ترانزیت جا ماندند و حضورشان را به یک مقام فرودگاه اعلام کردند، متوجه شدند که کارکنان، بیشتر از آنکه در مورد وضعیت ویزای آنها نگران باشند، نگران خطرات زیستی و سرایت بیماری از جانب آنها هستند. قهرمان می‌گوید: «یک برگ به یک لنگه گشش من چسبیده بود. آنها خیلی به آن توجه می‌کردند. فکر می‌کنم فرستادنش به آزمایشگاه برای تجزیه و تحلیل». قهرمان، کشور جدیدش را دوست داشت. در غرب اوکلند مشکلی با پناه‌جویان نداشتند. فقیربودن مشکلی نبود. مدرسه دستور زبان دختران اوکلند جایی بود مکتور و پر از اقوام گوناگون. او احساس خاص‌بودن یا متفاوت‌بودن با دخترهای دیگر نداشت. تا دانشگاه همین وضع برقرار بود. بعد او در دانشگاه برای آکادمی پدر و مادرش را خوشحال کند، در رشته حقوق تحصیل کرد و برای آنکه خودش خوشحال شود، تاریخ خواند. بعد قهرمان شروع به فکر کردن درباره میراث خود کرد. او می‌گوید: «۱۱ سپتامبر شرایط را برای من تغییر داد. من فراموش کرده بودم که ما ایرانی یا خاورمیانه‌ای هستیم. همان کارهای معمولم را انجام می‌دادم که متوجه شدم دیگران دارند طور دیگری ما را تعریف می‌کنند. بنابراین من شروع کردم به احراز هویت». چون او لباس‌های غربی می‌پوشید و به دانشگاه می‌رفت، مردم دوست داشتند فکر کنند که او از فرهنگ خود «نجات یافته»

تصویر ثروت آفرینان سالیانی است که در ذهن‌ها به گونه‌های متفاوتی از هم نقش بسته است؛ گاه استشارگر و غارتگر منافع ملی، گاه رانت‌خوار و خصولتی، گاه هم صنعتگری شریف و حافظ منافع ملی، گاهی هم کارآفرین. در پس این چهره‌های پس عیدیده و رنگارنگ و در بستر پرچالش محیط کسب‌وکار کنونی، همواره این پرسش‌ها مطرح است:

پس به که باید رو کرد؟ چه کسی را باید باور داشت؟ به که باید امید بست؟ در مسیر توسعه اقتصادی و اجتماعی به اتکای چه کسی و چه کسانی باید رفت؟ جست‌وجوگری و دغدغه‌مندی برای یافتن روزنه‌های امید و نمایش‌نامه‌های آن به نسلی که آینده خود و ایران را خواهد ساخت، راهی را می‌گشاید که معطوف به الگوهاست. آنان که می‌توانند به روح جامعه تشنه اعتماد، امید ماندن و ساختن بدمند. تصویری از این الگوها را می‌توان در پروژه‌ای به نام «کارستان» به دیده بصیرت دید؛ پروژه‌ای به همت حلقه‌های متصلی از



فیروزه ماب

کارآفرین، پژوهشگر، هنرمند و حامی، یکی اندوخته تجربی کاروکسپاش را به مهربانی ارزانی داشت. یکی این اندوخته‌ها را کشف کرد و به قلم آرایید، یکی همه ایده در سر داشت و هم اندوخته‌ها را از نگاه دوربین عبور داد و به صحنه نمایش رساند و یکی با مهر و دارایی خود برای حمایت به میدان آمد. گو اینکه در فضای پرمسئله کنونی، بسیاری خود را در صف کارآفرینان جای داده‌اند و خود را به ظاهر با لایه‌ای از صفات آنان رنگ کرده‌اند، هر گام که می‌روند، ده‌ها عکس و تصویر از خود نشانه می‌گذارند و از این نام بس بهره برده‌اند و اساسا واژه‌ها و مفاهیم مغشوش و گاه بی‌معنا شده است. اما هنوز می‌توان به الگوهایی دست یافت که حس بالیدن را به جامعه هدیه می‌دهند. گاه در پی آن هستیم که این الگوها را باید فرزندانمان، دریابند، چراکه بیداری را با خود همراه دارند و گوپی در این ولوله سهم‌خواهی‌ها و رانت‌خواهی‌ها و غوطه‌وری در فساد، پایه‌های جامعه‌اند. نه قهرمان‌اند و نه ادعایی دارند؛ اما بودنشان بس اثربخش و انرژی‌زااست.

به‌راستی اینان نیازی جدی به نگاه و توجه دارند؟ گویی از این‌س فضاها عبور کرده‌اند؛ چراکه خود را سال‌هاست دریافته‌اند؛ خود هدایت خویش می‌کنند. وقتی به عمق وجودشان می‌رویم، انتظاری فراتر پیدا

پشت تاریخ

مجازات اعدام باعث تنبّه جامعه‌نشد



فریده غیرت

امروز، ۱۰ اکتبر را در تقویم جهانی روز جهانی مبارزه علیه حکم اعدام نامیده‌اند. درباره مجازات اعدام در قوانین ما و در جامعه ما دو نظریه وجود دارد؛ یک نظر معتقد است به اجرای اعدام، هم برای مجازات آن فرد و هم برای تنبّه دیگران. عده‌ای معتقد هستند این مجازات اعدام تا به‌حال نتوانسته است اثر مثبتی در تنبّه افکار دیگران و در آگاهی‌بخشیدن به دیگران یا تنبیه دیگران داشته باشد. بررسی هرکدام از اینها نیازمند مطالعات عمیق اجتماعی است. افرادی که معتقدند تا به‌حال مجازات اعدام نتوانسته است در این مورد نتیجه مثبتی بدهد، تا حدودی شاید درست می‌گویند. برای اینکه مجازات اعدام ممکن است شخص خاطی را به مجازات رسانده و از بین برده و معدوم کرده باشد؛ ولی در مواردی دیده شده که اثری در جامعه نگذاشته است.

بر عکس، در مواردی هم دیده شده که اثر بسیار مثبتی داشته است، مثل مجازات شخصی به نام «بیجه» که به‌عنوان یک قاتل سریالی چند سال قبل مرتکب جرائم زیاد و تجاوز همراه با سوزاندن افراد کرده بود و جامعه از این عملی که او انجام داده بود، بسیار متشنج شده بود. حتی زمانی که او را دستگیر کرده بودند نیز وجودش خطرناک بود. با اجرای مجازات اعدام درباره این شخص، جامعه یک مقدار آرامش پیدا کرده و عصبانیت مردم فروکش کرد. با اخیرا در مجازات شخصی که طفلی را ربوده بود و تجاوز کرده و جسدش را پنهان کرده بود؛ جامعه قدری آرامش پیدا کرد. اما در مواردی دیده شده است که شخصی در ۱۵ یا ۱۶ سالگی بر اثر یک نزاع مرتکب قتل شده است و بعد او را نگه می‌دارند و می‌خواهند در ۱۸سالگی به بعد حکم اعدام را که به آن محکوم شده است، اجرا کنند. اینجا مجازات اعدام شاید اثر تنبیهی برای آن فرد داشته باشد اما جامعه متقلب می‌شود از اینکه یک انسان را در زمانی که او‌لا رشد فکری نداشته، سنش پایین‌تر بوده، تکامل پیدا نکرده بوده است و شاید غیرعمد هم بوده است، نگه دارند و بعد در زمان رسیدن به سن قانونی اعدام کنند. این است که بررسی مسئله مجازات اعدام، بررسی ساده‌ای نیست و شاید من هم موفق بهسستم با نظر آن اکثریتی که این باعث تنبّه جامعه در همه موارد نمی‌شود. در بعضی موارد باعث شده است ولی در همه موارد، متأسفانه، مجازات اعدام باعث تنبّه جامعه نشده است.

هفته کودکی

الگوهای کارآفرینی، فرزندان ایران را دریابید

می‌شود و آن اینکه این الگوها را باید فرزندانمان دریابند. دیروز فرصتی بود تا در هفته نمایش فیلم‌های کارستان در دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، تصویری یکی از این کارآفرینان به نمایش درآید و در پی آن اهالی علم و عمل در این وادی سخن گفتند.

چند کلیدواژه در گفت‌وگوی آنان مشهود بود؛ ارزش‌های پایه‌ای، اعتماد، ظرفیت تخصصی، مسئولیت رهبری، عدالت‌طلبی و ارزش‌آفرینی. تحلیل آن بود که نشانه‌های بیش و روش و منش کارآفرین موضوع بحث و تیم هم‌مسلك و متکی به چنین ارزش‌هایی است؛ ارزش‌هایی که یا به سختی می‌توان در جست‌وجوی آنها بود یا آن‌قدر دور هستند که راه و رسم رسیدن به آنها فراگیری جدیدی را می‌طلبد. اما جالب‌تر آن بود که آن کارآفرین، راه رفته را سخت و دست‌نیافتنی نکرد. صنعت‌اش سخت بود؛ اما آرامش‌اش قابل‌تکثیر بود و تأثیرگذار.

ازاین‌رو، در پس نمایش‌های بی‌دریسی فیلم‌های کارستان و طرح سؤال‌های جوانانی که خواهان رفتن در همین مسیر هستند، ذهن را به سویی می‌برد که مسئله دیگر درک الگوها نیست؛ مسئله درک و راهبری فرزندان ایران از طریق الگوهاست؛ چراکه نه کسی در فکر آنان است و نه حتی قادر به درکشان.

آکادمی

سالمندان سالم

با کشورهای توسعه‌یافته کوتاه است. این واقعیت جمعیتی هشدار برای مدیران این جوامع است و تلاش مضاعفی را نسبت به مدیریت سالمندی در جوامع پیشرفته می‌طلبد. از مشخصات دیگر جوامع در حال توسعه ازجمله کشور ما نقش پررنگ خانواده به‌عنوان مهم‌ترین پشتوانه و بهترین منبع حمایت مالی و اجتماعی و معنوی برای سالمندان است. این خصوصیت برای جوامع شرقی یک حسن بزرگ محسوب می‌شود و نگارنده نیز بر این باور است. اما وظیفه دولت‌ها را منتفی نمی‌کند. چه‌بسا خانواده‌ها که به دلیل هزینه‌های نگهداری و رسیدگی به مشکلات جسمانی پرهزینه سالمندان خانواده (مانند هزینه درمان و پرستاری از موارد شکستگی لگن و استخوان ران) در فشار مالی قرار می‌گیرند و چه‌بسا از پس تأمین آن برنایند و خود دچار مشکل روحی شوند و سالمند نیز دچار عوارض و ناتوانی بیشتر شود. همه می‌دانیم مراقبت از یک سالمند در یک خانواده شهری که مرد و زن برای تأمین هزینه زندگی کار می‌کنند، تا چه اندازه دشوار و خسته‌کننده خواهد بود. در خانواده‌های روستایی نیز با کم‌بودن امکانات پزشکی و آگاهی‌های خانواده‌های مراقب روبه‌رو هستیم. این مسائل لزوم مداخله جدی و برنامه‌ریزی‌شده دولت‌ها را برای آموزش و حمایت خانواده‌ها یادآوری می‌کند و باید از مطالبات خانواده‌های شهری و روستایی باشد. سالمندان باید از بیمه درمانی



به ۱/۲ میلیارد نفر یعنی ۱۴ درصد جمعیت جهان برسد. درحال‌حاضر اروپا پیرترین قاره جهان با بیش از ۲۰ درصد سالمند و افریقا جوان‌ترین قاره جهان با کمتر از ۱۰ درصد سالمند به شمار می‌رود. هرچند پیرشدن در تمام نقاط جهان در حال وقوع و گسترش است، اما مشخصاتی در کشورهای در حال توسعه وجود دارند که غفلت از آنها می‌تواند عوارض و پیامدهای ناگواری را برای سالمندان و جامعه رقم بزند. متأسفانه این کشورها هنوز با مشکلات و موانع توسعه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی روبه‌رو هستند و ازاین‌رو کمتر به مسائل مرتبط با پیرشدن جمعیت می‌اندیشند. نبود برنامه‌ریزی برای مواجهه با پدیده سالمندی در برنامه‌های پنج‌ساله، کمبود نیروی انسانی مدیر، کمبود منابع مالی و در نتیجه عدم تخصیص بودجه لازم و... رویارویی با پدیده سالمندی را دشوار و پرمسئله خواهد کرد. موضوع مهم بعدی سرعت بیشتر روند سالموردگی جمعیت در کشورهای در حال توسعه است. به عبارت بهتر زمان لازم برای دوبرابرشدن جمعیت سالمندان در مقایسه

پرنده آبی

ما همه زهره هستیم

استفاده کرده که آزیست در سردوگرم‌شدن ریزش کرده و باعث نشت گاز از موتورخانه خوابگاه شد، نبود تجهیزات پزشکی و دیررسیدن آمبولانس و...

رئیس دانشگاه ابراز شرم کرده و فریده دارابی، سرپرست معاونت آموزشی، وعده‌های بزرگی برای جبران این اتفاق داده است؛ برخی از وعده‌ها این است: ۱- با تمام مقصران و خاطیان این حادثه که منجر به این ضایعه دلخراش شدند، برخورد قاطع و قانونی می‌شود. ۲- دکترای افتخاری به سرکار خانم قاسمی اعطا خواهد شد. ۳- در آینده‌ای نزدیک فونداسیون خوابگاهی ۴۰۰ نفری برای دانشجویان دختر با نظارت کارشناسان مجرب و به نام سرکار خانم دکتر زهره قاسمی بی‌ریزی خواهد شد. آیا تحقق این وعده‌ها امکان‌پذیر است؟

خیلی ساده نیست. دراین‌میان تابناک نیز گزارش‌اری از روستای محل سکونت زهره منتشر شده است که می‌تواند بسیاری را متأثر کند. حال‌وهوای ۱۹۲ ساکن روستای قلعه بهممن که درگیر این داغ سنگین هستند، به گونه‌ای که انگار این حادثه، داشته‌های همه آنها را زیر خاک برد. زهره قاسمی از یکی از روستاهای محروم غرب استان اصفهان بود و شاید ده‌ها سال طول بکشد تا این روستا و روستاهای مجاور دوباره فردی همچون او را به چشم ببینند. مرگ او حداقل دو افسوس داشت؛ یکی ازدست‌رفتن یک فرد تحصیل‌کرده که در آینده تأثیرگذار می‌بود و دیگری ناامیدی و حسرت اهالی روستایش. چند دلیل برای این اتفاق دردناک آورده‌اند: پیمانکار وقت به جای استفاده از فولاد از آزیست در کانال‌کشی

شرق؛ با اینکه چند روز از ماجرای جان‌باختن دانشجوی ترم ۹ دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد می‌گذرد، هنوز مردم با این کارها ساکت می‌شوند. حداقل من می‌توانم واکنش نشان بدهم». قهرمان در اوقات فراغت معدود و محدودی که دارد، دوست دارد با همسرش، گای ویلیامز که بازیگر است، سفر کند. او همچنین دوست دارد میهمانی‌های شام برگزار کند، گرچه اعتراف می‌کند آتشیز بدی است. او همچنان عضو اجرایی انجمن حقوق جزائی نیوزیلند باقی می‌ماند و می‌گوید تجربه قانون‌گیری او - که زمان زیادی را در آن صرف کمک به مردم در زمینه توانبخشی یا حمایت‌های دیگر کرده است - برای رویکرد سیاسی او بسیار مهم است.او می‌گوید: «اینکه ما چگونه با همه، از جمله با مجرمان رفتار می‌کنیم، ما را می‌سازد».